((سحر دمید ، جرس بانگ زد ، امید شگفت))

جوانان و جامعه

فرید « مزدک »

PROPERTY OF
ARIC

گفتنی

جزوه حاضر توضیح عام در باره جوانان، جای و موقف آنان درجامعه ویژگی های ساختمانی، نقش، صلاحیت ووظایف تاریخی و دشواری های زندگی آنان میباشد. همچنین درجزوه کوشش شده است، بصورت عام چگونگی اشتراك جوانان درجریان مبارزه طبقاتی و در این جریان نقش سازمان جوانان، چگونگی این سازمان واشکال مبارزات آن روشن گردد.

قراراست دربخش دیگری که قسمت دوم این نوشته خواهد بود بصورت مشخص وفشرده وضع جوانان افغانستان، جنبش جوانان و سازمان دموکراتیك جوانان افغانستان مورد ارزیابی قرار گیرد.

قسمت دوم درآینده بدسترس دوستان قرار خواهد گرفت.

PROPERTY OF
ARIC
Established
1989

فهرست

عنوان	صفحه
الف) جوانان وجامعه	۱
۱— جامعه	۱
۲— جوانان	۲
۳— موضع طبقاتی جوانان	٤
٤— ایدئولوژی جوانان	۷
۵— نقش ووظایف جوانان درجامعه	۱۰
٦— نیرو وصلاحیت تاریخی جوانان	۱٤
۷— زندگی دشوار جوانان	۱۹
ب) جوانانومبارزهٔ طبقاتی:	۲۱
۱— مبارزه جوانان	۲۱
۲— سازمان‌جوانان :	۲۳
الف) خصلت سازمان جوانان	۲٤
ب) مبارزهٔ صنفی وسیاسی‌سازمان جوانان	۲۵
ج) مبارزهٔ علنی‌ومبارزهٔ مخفی سازمان جوانان	۲۷

مطبعهٔ دفاتر ملی

PROPERTY OF
ACKU
8357

الف ـ جوانان و جامعه

۱ ـ جامعه :

انسان را باید در درون جامعه، در انبوه رابطه ها و مناسبات متشکلهٔ آن دید و مورد پژوهش قرارداد. زندگی انسان دور و برون از جامعه هیچ و پوچ است و همینطور جامعه بدون انسان و روند زندگی انسانها معنا و مفهومی را که دارد نخواهد داشت یعنی جامعه و انسان لازم و ملزوم یکدیگرانند. ولی صرف و تنها باهمی و تجمع مکانیکی و عادی، انسانها را نمیسازد، چون جامعه پروسه ای است وسیع، چند جانبه و با پهلوهای گوناگون، عناصر متشکلهٔ آن نیز باید افرادی با آنچنان ویژگی هائی باشند که کار و فعالیت آنها پوره کنندهٔ جوانب و پهلوهای مختلف این پروسه باشد. باهمی در جریان کار و تولید بین انسانها یک نوع مناسبات بخصوص را پیدا میکند، مناسبات و روابط تولیدی، پس جامعه شکل گروههای انبوهی از انسانهاست که باهم زندگی میکنند و باهم روابط و مناسبات گوناگون دارند، اما اساسی ترین رابطه که ستون فقرات جامعه است همان رشته و پیوند آنها باهم در تولید نعمت های مادی و رابطهٔ آنها با وسایلی است که توسط این وسایل نعمت ها را تولید میکنند.

جامعه همیشه با محمل زمان به پیش تاخته، از کوره راه های پرخم و پیچ گذشته و مضمون ها و چهره های گوناگون بخود گرفته است.

ولی باهر شکل و مضمونی که بوده یک عنصر منحیث وجه اشتراک درهمه اشکال وانواع آن وجود داشته واین عنصرانسان زحمتکش میباشد. انسان قهرمان نخستین جامعه است البته باابزاری که این قهرمان توسط آن تولید میکند. انسان باگونه های مختلف در عرصه های مختلف جامعه فعالیت میکند، ازکار عظیم تولیدی در زمینه های وسیع و پشت ماشین های غول پیکرگرفته تا پرورش و رشد نسل‌های نو وجوان، ازمدرسه تا کارهای شاق وپردرد ورنج در درون خانواده همه وهمه را انسان انجام میدهد.

ما اکنون به پژوهش در مورد یک تودهٔ سیال، زورمند و نوپای جامعه که جوانان اند میپردازیم.

۲ـجوانان :

جوانان که نوباوگان جامعه اند سرشت سرشار از استواری وشهامت دارند. این توده دارای تحرک ودینامیسم فراوان است. نقش جوانان درجنبش کارگری جهان قابل دقت ومحاسبه میباشد.

برای اولین بار به موقف، نیروو ویژگی های این تودهٔ سیال رهبران پرولتاریای جهانی متوجه شدند.

آنها عملاً دیدند که جوانان دارای قدرت و توان انجام مهمترین وظایف اند و بنأ معتقد بودند که از این قدرت وتوان آنها، ازاین نیروی شگرف آنها بسود جامعه استفاده شود.

این کتلهٔ جامعه که درسنین معین با خواسته ها و آرزو های معین میتوانند دورهم جمع شوند، متشکل شوند و برای بدست آوردن هدف های معینه خویش برزمند هیچگاه ازتوجه گردانهای پیشآهنگ

کارگران جهان بدور نبودند. این گردانها به جوانان زمینه های پرورش ورشد همه جانبه وکاردهی آنان رافراهم نمودند .

لنین در پاسخ به ادعا های ناخرسندانهٔ عدهٔ ایکه میگفتند در حزب چرا جوانان کارگر اکثریت دارند این سخن انگلس را نوشت :

«آیا طبیعی نیست که در نزد ما ، درحزب انقلاب جوانان اکثریت دارند؟ ،ماحزب آیندهٔ ایم وآینده به جوانان تعلق دارد، ماحزب نوآوران هستیم و جوانان همواره با علاقه ازنو آوران پیروی میکنند، ماحزب مبارزهٔ فداکارانهٔ برضد پوسیدگی وانحطاط هستیم ، و جوانان همیشه نخستین کسانی هستندکه برای چنین مبارزه ای آماده اند. » (۱)

رهبران طبقهٔ کارگرجهانی باچنین برداشتی ازجوانان به انقلابیون فرمان کار دربین جوانان رادادند. گرمی، پرشوری، شهامت ، نیرو وجسارت همیشه درجوانان وجوددارد که این خصال برای یک میهن پرست واقعی وبرای هرفرد انقلابی سخت لازمی و ضرور است .

وقتی جوانان ودانشجویان روسیه تزاری برضد حکومت ددمنش تزاردست به تظاهرات زدندلنین چنین نوشت :

« دربین جوانان کارگر کشش پر شور و سدنا پذیری بسوی اندیشه های دموکراسی وسوسیالیسم مشاهده میشود وازمیان روشنفکران مانند گذشته یارانی بسوی کارگران می شتابند . با اینکه زندانها و تبعیدگاهها سر ریزه شده اند .» (۲)

وما در کشور خود این کشش پرشور و سد ناپذیر را با چشم سر می بینیم ، می بینیم که در وضعیت بغرنج و پر درد فعلی جوانان ما پسر و دختر با چه شهامتی سر بلند برچم بدست کوره راه انقلاب را می پیمایند و برای فتح و تسخیر آینده ، آیندهٔ بسیار نزدیک می رزمند .

جوانان برای جنبش ملی و دموکراتیک کشور ما امید بزرگی هستند . انها در تمام نیروها و طبقات جامعه شامل اند و در تمام نیروها و طبقات جامعه جائی و مقامی دارند که در نبرد انقلابی فعلی صف استواری را میتوانند بیارایند و بنا بر آن کار جهت بسیج و تشکل این قشر از وظایف مبرم پیشاهنگ انقلابی میبا شد .

۳ — موضع طبقاتی جوانان :

در مورد موقعیت و موضع طبقاتی جوانان از دیدگاههای مختلف طرحهای مختلف وجود دارد . عده ای جوانان را «طبقه» مجزا از طبقات دیگر و از لحاظ اقتصادی مستقل میدانند ، عده ای این پدیده را از لحاظ ساختمان به هیچ گرفته مورد ارزیابی قرار نمیدهند .

ولی ارزیابی موقعیت جوانان در جامعه و موضع طبقاتی آنها جهت شناختن کامل آنها ضرور است .

جوانان در جامعه مصروف کارهای مختلف و ناهمگون هستند یعنی در عرصه های مختلف زندگی وظائف مختلف را اجرا میکنند ، بدین اساس عدهٔ ایشان بدون اینکه در تولید اجتماعی شرکت داشته باشند از نتائج آن برخوردار می شوند و عدهٔ هم از تولید اجتماعی با شرکت در پروسهٔ تولید برخوردار میگردند . جوانانی که تحصیل میکنند اکثراً مخارج درسی آنها از طرف خانواده تامین میشود این بخش از جوانان در امور تولیدی سهمی ندارند ولی از نتایج تولید بهره میگیرند و استفاده

میکنند، اینها بعد ازپایان دورهٔ آموزش وتحصیل نیز بدسته های مختلف اجتماعی می پیوندند ودر بخش‌های گوناگون جامعه فعال میشوند، مگر یک بخش بزرگ جوانان مستقلانه در امور تولیدی وغیر تولیدی جامعه بکار میپردازند برای خودو اکثراً به خانواده‌هائی که سر بوطند خوراك وپوشاك تهیه مینمایند ویا اینکه دوشا دوش بزرگان خانواده بکار میپردازند. بنآء جوانان ازمواضع مختلف گردهم میایند ازفرزندان مالکان خوردوبزرگ وسرمایه داران و خرده بورژوازی گرفته تاکارگران، دهقانان ودیگر اقشار و طبقات جامعه. چون جوانان همه مشخصات یکسان و همگون طبقاتی ندارند پس آنها را یک طبقهٔ اجتماعی گفته نمیتوانیم زیرا آنها خاستگاه‌های مختلف طبقاتی دارند ویگانه وجه مشترك شان جوان بودن آنها است بنآء یک قشراند.

بهترین محك و ملاك سنجش چگونگی ماهوی توده جوانان وعناصر ساختمانی آن جامعترین تعریفی است که لنین ازطبقهٔ بدست داده است.

«طبقات گروه‌های بزرگ انسان است که از جهت مقامشان درسیستم معین تولید اجتماعی ازجهت رابطهٔ شان با وسایل تولید (که اکثراً درقانون تحکیم وفورمولبندی شده است) از جهت نقش شان در سازمان اجتماعی کار ولذا از جهت شیوهٔ دریافت ومیزان آن ثروت اجتماعی که در دست دارند بایکدیگر متفاوت اند....» (۳)

در رابطه بااین تعریف موقعیت اجتماعی و موضع طبقاتی وماهیت این تودهٔ اجتماعی را مورد دقت قرار دهیم.

۱ — جوانان بمثابهٔ یک گروه در تولید اجتماعی کدام مقام معین ندارند. بناء تفاوت مقام «درسیستم تولید اجتماعی» بین آنها اصلاً مطرح نیست.

۲ — جوانان بصورت یک جمع واحد با یک هویت مشخص و یگانهٔ طبقاتی وجود ندارند، همه بصورت یکپارچه در یک موضع معین طبقاتی قرار ندارند و بصورت یکپارچه و یکسان با وسایل تولید ارتباط ندارند. بناء مسئله مربوط بودن و نبودن جوانان با وسایل تولید در تثبیت هویت طبقاتی آنان به آن صورتیکه در تثبیت هویت یک طبقه معیار است مطرح نیست.

۳ — وقتیکه در مجموع جوانان منحیث یک کتلهٔ واحد دارای مقام معین در سیستم تولید نیستند به همین ترتیب مثل یک طبقه با وسایل تولید رابطه ندارند پس دارای نقش و یژه‌ای در سازمان اجتماعی کار نیستند و همچنین به علت ناهمگونی عرصه های کار و قرار داشت اجتماعی شیوه دریافت و میزان ثروتی که در دست دارند نمیتوانند معیار سنجش موضع و موقف طبقاتی آنان گردد.

چون جوانان نماینده‌های طبقات و اقشار مختلف جامعه هستند پس در اینصورت است که میگوئیم جوانان یک قشر اجتماعی اند مختلط و مرکب از وابستگان به طبقات گوناگون اجتماعی که درمیان آنها علاوه بروابستگان طبقات استثمار شونده، وابستگان طبقات استثمارگر نیز وجود دارد. باحفظ اینکه جوانان در عرصه های مختلف فعالیت اجتماعی قرار دارند اما صرفنظر از وابستگی طبقاتی خود بعلت وضع همانند خود بعنوان جوان دارای منافع مشترک معین هستند. این منافع مشترک معین منافع صنفی آنها بعنوان جوان است.

۴ـ ایدئولوژی جوانان :

از آنجائیکه جوانان ازلحاظ طبقاتی‌خاستگاه های گوناگون دارند ویکدست ویکسان نیستند طبعاً هرجوان ایدئولوژی همان طبقه را دارد که وابسته به‌آن است ، جوانی که از طبقهٔ کارگر برخاسته ایدئولوژی آن نیز مربوط به طبقهٔ کارگر است. همینطور جوانی که به بورژوازی مربوط است ایدیولوژی بورژوازی‌را دارد، به عبارهٔ دیگر جوانانی‌که به طبقات حاکم پیوند دارند دارندهٔ ایدئولوژی طبقات حاکم وجوانان که وابسته به طبقات محکوم اند از لحاظ ایدیولوژ یک نیز وابسته به طبقات محکوم میباشند .

باید درمجموع نحوهٔ تاثیرایدئولوژی های مختلف رادربین جوانان دید وگرایش عمومی جنبش جوانان را درجهان مورد دقت قرار داد .

مبارزهٔ ایدئولوژیک یک بخشی از مبارزهٔ طبقاتی طبقهٔ کارگر را تشکیل میدهد ، هرنیروئی‌که درین مبارزه شرکت میکند حتماً دارای یک ایدئولوژی هم است، آن‌نیرو ازخود طرز تفکر معین ،نقشهٔ دولتمداری معین ، نظرات معین ودر مجموع مسلک معین دارد . ولی چون نیروهائی که در جامعه مصروف پیکار ومبارزه اند زیاد اند لذا اولاً باید دید که هرنیرو ایدیولوژی ویژهٔ خود را که از دیگران متفاوت است دارد و یا اینکه در حقیقت ایدئولوژی‌ها محدوداست .

جامعه ازاقشار وتوده‌هائی‌متشکل است که‌ازلحاظ اقتصادی دارای نقش یکسان نیستند وطبقات نام دارند آنها رابصورت‌عمده میتوان در دو دسته ارزیابی کرد :

۱ـ طبقات استثمارکننده یا بهره کش که وسایل تولید را در مالکیت دارند و در جریان تولید شرکت ندارند، در جامعهٔ ما ملاکان فئودال و سرمایه داران اساسی ترین طبقات استثمارکننده هستند، اینان از خود ایدیولوژی خاص خود را دارند. تلاش ایشان در آنجهت است که تمام جامعه را مطیع و وابسته خویش سازند از یکسو با تبلیغات زهرآگین ایدیولوژی خویش اذهان را مغشوش میکنند و از سوئی هم نقش ایدیولوژی دشمن را که ایدیولوژی کارگری است با طرحهای نفی مبارزهٔ ایدیولوژیک و «ایدیولوژی زدائی» ضعیف و کم جان میسازند ایدیولوژی همین طبقات در جوامع طبقاتی مبتنی بر استثمار ایدیولوژی حاکم را تشکیل میدهد در رابطه با جوانان مهمترین نوع فعالیت این ایدیولوژی تبلیغ انتی کمونیزم و انتی سویتیزم وسوق دادن جوانان درمنجلاب های فساد اخلاقی وفحشا میباشد.

۲ـ طبقات استثمار شونده یا بهره ده که وسایل تولید را در مالکیت خود ندارند ولی خود در جریان تولید شرکت دارند و جزء نیروهای مولده هستند، در جامعهٔ ما دهقانان و کارگران مهمترین طبقات استثمارشونده هستند، اینها نیز از خود ایدیولوژی دارند که ایدیولوژی دورانساز طبقهٔ کارگر است.

این ایدیولوژی امروز بمثابهٔ پرچم نبرد در پیشاپیش جنبش ضد امپریالیستی جهان بلند است و در بین توده های وسیع تمایل و کشش بسوی آن زیاد است.

جنبش جهانی جوانان که بخشی از جنبش ضد امپریالیستی جهان است امروز قویتر از پیش به این ایدیولوژی میگراید.

ودیگر اقشار متوسط یا خرده بورژوازی که هم مالک وسایل تولید هستند و هم مستقیماً در تولید شرکت دارند مانند پیشه وران شهرها و دهات که شامل مولدین خرده پا، پرچون، فروشان صاحبان صنعت دستی وغیره اند. اینها هم از خود مسلکی و نظریاتی دارند ایدیولوژی اینان مانند موضع طبقاتی ایشان نا استوار و متزلزل است، اینان بخاطر حفظ منافع خویش به هر طبقه از جامعه که ایجاب کند می پیوندند.

ازمیان تمام این نیروهای جامعه جوانان با منافع خاص صنفی خود دور هم جمع میشوند و نیروئی را از هر لحاظ باخصوصیات معین تشکیل میدهند، جوانان در مبارزات خویش فطرتاً نوجو، مترقی، انقلابی و پیشروانند. زود به اندیشه های پیشرو و انقلابی کشانیده میشوند ودر کاروان ترقی ورهائی از چنگ هرگونه ظلم شرکت می کنند، اینجاست که آنها از ایدیولوژی خود می برند و به آن ایدیولوژی می پیوندند که درین راه هادی آنها باشد. از همین جاست که ما تمایل وسیع جوانان را به اندیشه های دموکراسی و سوسیالیزم میبینیم، از همین جاست که جوانان تمام جهان با ایدیولوژی های مختلف «برای همبستگی ضد امپریالیستی صلح و دوستی» گرد هم می آیند.

بناء جنبش جوانان با سمت ضد امپریالیستی خود بیشتر زیر تأثیر ایدیولوژی طبقه کارگر است کسانیکه به این ایدیولوژی معتقداند با بدست داشتن همین جقایق است که بسوی جوانان روی میاورند، در بین آنان نفوذ میکنند و آنها را با ایدیولوژی طبقهٔ کارگر مجهز و یا نزدیک میسازند وقویاً به پرورش ایدیولوژیک

آنها می پردازند و با شیوهٔ اقناع و استدلال در راه ریشه کن نمودن بقایای ایدیولوژی های ارتجاعی در جوانان می رزمند، جوانانی که با سوابق ذهنی طبقاتی خویش گردهم جمع میشوندو ازلحاظ ایدیولوژیک وابستگی خودرا به خاستگاه های اصلی طبقاتی خویش حفظ میکنند، باید با نرمش و نیروی استدلال با تکیه برتجربه ها با موازین ایدئولوژیک آنها مبارزه و پیکارشود و گذاشته نشود که آنها باقیمانده های ایدئولوژی بورژوازی وخرده بورژوازی را به هر شکلی که باشد حفظ کنند ورشددهند، آنها را باید از هر گونه روحیهٔ ای اندیوید یالیستی (مقدم شمردن منافع فردی برمنافع اجتماعی) بدور برد.

با اموزش، تبلیغ وترویج و سیع ایدیولوژی طبقه کارگر یعنی مارکسیزم - لنینزم و اموزش پراتیک انقلابی با کنترول دقیق جریان رشد وپرورش وتصحیح بموقع اشتباهات ولغزش های ایدیولوژیک بامبارزهٔ بی رحمانه اقناعی علیه هرگونه انحراف ایدیولوژیک که به جنبش جوانان لطمه وارد کند وجریان عادی پرورش ایدیولوژیک وآبدیدگی جوانان را کند سازد. و با بیان وتشریح سر بلندانه اصول ایدیولوژیک خویش میتوانیم به پرورش وآبدیدگی ایدیولوژیک این قشر بپردازیم.

۵ — نقش و وظایف جوانان در جامعه:

جوانان یک بخش و سیع ازجامعه را در برگرفته اند با تحرک ونیرومندئی که دارند میتوانند ارتش بزرگی را در ساختمان جامعه بسازند بنآ درنوسازی جامعه دارای نقش فعال ودرحد توان خود هستند.

جنبش ضدامپریالیستی جهان هم درجوامع پیشرفته بورژوازی وهم درجوامع روبه‌رشد که‌راه رشد غیر سرمایه داری را در پیش گرفته اند به‌جوانان ونقشی که آنها در روند پیشرونده انقلابی بازی میکنند سخت نیازمند است ، جنبش طبقهٔ کارگر در وجود نیروهای مبارز و پرشور جوانان گرمترین همرزم خویش را حس میکند .

جوانان مانند هر نیروی پیشرو ومترقی موظفند تادر راه مبارزه برای طرد نظام های پوسیدهٔ قرون وسطائی وبورژوائی گام نهند علیه اخلاق وایدئولوژی بورژوازی برزمند ویکجا باموج نیرومند جنبش ضدامپریالیستی ،ضد دیکتاتوری های فاشیستی،ضدزورگوئی وضد انواع انحرافات پیکار کنند .

جوانان ما میتوانند بادرك عمیق وپیروی از مواد برنامه سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان (س — د — ج — ا) ووظائف مبرم س — د — ج — ا درمسر حلهٔ انقلاب ملی ودموکراتیک ودوران کنونی رشد جنبش کشور ما نقش فعالی درمبارزهٔ ضدامپریالیستی ایفا نمایند وعلیه تمام مظاهرغیر انسانی فئودالیسم وبورژوازی به‌مبارزه برخیزند وآن نقشی‌را که تاریخ بدوش آنها سپرده است بعهده گیرند . رهبران طبقهٔ کارگر جهانی به‌خوبی به‌اهمیت نیروی جوانان پی برده بودند ومی‌دانستند که این نیرو میتواند سنگر مستحکم واستواری رادرنبرد برضد طبقات حاکم ستمگر بسازد . لنین رهبر پرولتاریای جهان وقتی که گامهای نخستین رادرراه ایجادحزب مارکسیستی طراز نوین میگذاشت نوشت : «شماحتماً مارا با نیروهای جدید ، باجوانان با محفل های تازه

مربوط کنید . فراموش نکنید که نیروی سازمان نقلابی در تعداد رابطه های آنست» (٤)

در این نیروهای جدید، درجوانان قوتی واطمینانی بود که اموزگار زحمتکشان جهان چنین ادعا میکرد وحزب پیشآهنگ توده های ملیونی را به تاسیس رابطه های هرچه بیشتر با توده های وسیع دعوت میکرد .

چون رسالت جوانان مبارزه علیه هرگونه سیاه فکری ورکود ذهنی وعلیه انواع ایدیولوژی های ارتجاعی وایدیالیستی است واین وظایف را فطرتاً به اساس طبع سرشار ونوجوئیکه دارند عهده دار شده اند . پس باید در راه تجهیز خود باید ئولوژی مترقی ، بامارکسیسم — لنینیسم تلاش نمایندو بیاموزند، بیاموزند وبازهم بیاموزند- هم چنین آگاهی خویشرا از تمام جریانات فکری بلند ببرند تا آنکه باهر پدیدهٔ محیط خویش با یک فهم و آگاهی قبلی برخورد کنند ودچار اشتباه نشوند ویا کمتر اشتباه کنند . ولی اموزش که جزء زندگی جوانان است واین قشر در هرلحظهٔ زندگی خویش مکلف است بیاموزد ، تنها اشنائی با کتاب نیست دانش صرف کتابی دردی را دوا نمیکند ، باید آنرا با پراتیک ومبارزهٔ اجتماعی پیوند داد ، توام ساخت اموزش برای آنست که عمل مادرست صورت گیرد ، ماوقتی به پراتیک پیشینیان رومی آوریم که در جریان پراتیک خود ، پراتیک جاری وروزمره دچار بندش شویم وناچار به تجارب انسان گذشته مراجعه میکنیم ومی آموزیم که چه باید بکنیم ، ماوقتی خود را مؤظف میدانیم ، تادر ساختمان جهان نودست اندرکار باشیم ومدعی

هم هستیم که نوجوترین نیروی جامعه میباشیم و بیش از هر کسی ازهر نوآوری و ابتکار استقبال میکنیم باید گنجینه ای از تجارب وسلاح قوی معنوی برای انجام این وظیفه دراختیار داشته باشیم این سلاح را ، تجارب را ودانش را باید هرچه جدیتر یادگیریم وبکار بندیم ، هرلحظه از هر شکست وهر پیروزی باید اموخت ، از خمش‌ها وپیچش های انسان پیکار جوی گذشته بیاموزیم تا ازخم و پیچ های کوره راه تکامل ، استوار وخوب بگذریم . ما نیروی انجام اینکارها را در خویش داریم ، باید این نیرورا سازمان دهیم تا نقش تاریخی خود را ایفاً کنیم وظایف خود را انجام دهیم .

نیروهای جوانان ، چه کارگران وچه دانشجویان برای جنبش عمومی انقلابی سخت لازمی‌اند .لنین خاطرنشان میساخت که .

« ما به نیروهای جوان احتیاج داریم . من اگر میتوانستم توصیه میکردم که هرکس را که جرأت میکند بگوید که مادام نداریم صاف وساده‌پای دیوار بگذارند ، در روسیه آدم فراوان است. فقط باید آنها را جلب کرد ، وسیعتر وجسورانه تر ، جسورانه تر ووسیع تر ، باز هم وسیعتر وبازهم جسورانه تر وبدون ترس باید جوانان راجلب کرد. سخن برسر آنست که باید باسرعت فوق‌العاده ای تمام کسانی راکه دارای ابتکار انقلابی هستند متشکل کرد وبکار واداشت ازین‌ترس نداشته باشید که آنها تربیت نشده اند ، از فقدان تجربه و ناپختگی آنها نگران نباشید» (۵)

آری ! پیشآهنگان ، زحمتکشان وجنبشهای انقلابی به نیروهای جوان احتیاج دارند ، بناء تاریخ به تمام نیروهای جوان دستور میدهد تادر رفع این (احتیاج) برزمند وظیفهٔ جوانان

فقط همین است که آنها سهمی را که در پروسهٔ دگر سازی جهان خویش بعهده دارند انجام دهند. تضمین چگونگی آیندهٔ جنبش بدست جوانان است. جوانان باید بدانند که آینده به آنها تعلق دارد تا آنکه آگاهانه در راه ساختمان آینده احساس مسئولیت کنند و متناسب به آن وظایف خویش را انجام دهند.

٦- نیرو و صلاحیت تاریخی جوانان :

درست است که جوانان دارای نیروی سرشار و قدرت تحرک فوق العاده هستند، پرکار و خستگی ناپذیر اند، کوبنده و جنگ آوراند و در بکار انداختن این نیرو و توان ازسوی تاریخ هم رسالتی دارند که باید آنرا انجام دهند. ولی این قشر نیرومند درضمن توانائی دارای صلاحیت تاریخی معین است. جوانان به تنهائی نمیتوانند جامعه را بسازند، نمیتوانند رهبر و پیشوای انقلاب باشند و منحیث یک قشر نمیتوانند تنها آرزو و امید فردا باشند.

جوانان وظایف تاریخی خویش را فقط و فقط درزیر پرچم طبقهٔ کارگر انقلابی میتوانند به انجام برسانند چنانچه در اسناد کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری (مسکو ژوئن ۱۹٦۹) آمده است که :

« کمونیست ها برای اعتلاء جنبش جوانان ارزش عالی قائلند و خودفعالانه در آن جنبش شرکت میکنند »... « تنها اتحاد نزدیک با جنبش کارگری و پیش آهنگ کمونیستی میتواند دورنماهای واقعاً انقلابی را برای جوانان بگشاید »

آنها وقتی میتوانند نقش تاریخی خویش را ایفاء نمایند که رهبری طبقهٔ کارگر را بپذیرند، با ایدئولوژی طبقهٔ کارگر صمیمانه بپیوندند و در راه پرورش و آموزش ایدئولوژیك خویش صرف نظر از هر نوع وابستگی طبقاتی که دارند متناسب به موازین ایدئولوژی طبقهٔ کارگر بپردازند ومطابق صلاحیت تاریخی خود عمل کنند.

ایدئولوگ های بورژوازی بادو برداشت غلط از دو دیدگاه غیر علمی مسئلهٔ جوانان را می سنجند. یاجوانان را تودهٔ ناکاره، خام، کم تجربه وناتوان واحساساتی معرفی میکنند، تحقیر میکنند وازین راه برضدجنبش مترقی جوانان تبلیغات زهراگین پخش مینمایند وبه خیال خود شان ازاهمیت این جنبش می کاهند ونقش برجستهٔ آنرا انکار می نمایند ویا بر عکس آنقدر سالوسانه وآنهم ازیك موضع فوق العاده ضعیف به جوانان نگاه میکنند که گاه آنها را تنها امید فردا مینامند ویگانه رهبران جنبش ونهضت به اصطلاح مترقی میشمارند وتا آن حد برای جوانان نقش وصلاحیت قایل میشوند که اصلاً این قشر دارای آنقدر نقش وصلاحیت نیست.

کمونیست ها درارزیابی و تشریح نیرو و صلاحیت جوانان از هردوگرایش انحرافی که دربالا ذکر شدبدوراند، نه جوانان را ناتوان وبیچاره میدانند ونه تمام امید های خویش را به آنها وفقط به آنها بسته میکنند. آنها معتقد اند که تودهٔ پر تحرك جوانان میتواند درجامعه وظایفی را انجام دهد ودرانجام این وظائف مهم صلاحیت تاریخی عام وتام دارد منظورما ازصلاحیت تاریخی اینست که یك نیرو وقوت اجتماعی در دگرگونی های

جامعه خویش بسوی تکامل و پیشرفت تا چه حد امکانات ایفای نقش و انجام وظیفه را دارا است و در چه مقام و موضعی از جامعه قرار دارد. درست است که جوانان نیرومند و کوبنده اند ولی نظر به مقام و موضع خاص اجتماعی و امکانات دست داشته در روند تکاملی جامعه باید بدستور و فرمان انقلابی ترین طبقه یعنی پرولتاریا کار و مبارزه نمایند. وظایف تاریخی خویش را انجام دهند طبقهٔ کارگر که صلاحیت رهبری و پیشاهنگی جنبش را بعهده دارد تمام توده های زحمتکش را بدنبال خویش میکشاند و آنها را در راه ساختمان دنیای نو هدایت میکند. این صلاحیت بخاطری به این طبقه گذاشته شده است که مقام آن در پروسهٔ تولید مشخص، استوار و مهم است، جوانان از چنین مقامی برخور دار نیستند. اما هیجان و تحرکی که این قشر را فرا گرفته باعث آن میشود که در جنبش های کارگری هم در حدود صلاحیت تاریخی خویش در حساس ترین مواضع عمل کنند و حساسترین نقش را ایفا نمایند و بزرگترین وظیفه را انجام دهند. در چنین موقعی لنین حتی این سوال را مطرح میکرد که:

«شاید تاریخ در نبرد قطعی نیز نقش آن گردانی را بدانشجویان محول کرده است، که پیکار را آغاز میکنند؟» (۶)

و دانشجویان یک بخشی از جوانان اند که در مورد شان این سوال مطرح شده است «در جنبش عظیم و بی مانند خلق ایران بر ضد دیکتاتوری فاشیستی محمدرضا، دانشجویان نیروئی رهبری کننده بودند یا پیشروترین گروهها را تشکیل میداده اند» (۷)

(۲) چنانچه در گزارش هیئت اجرائیهٔ کمیته مرکزی حزب تودهٔ

ایران در شانزدهمین پلینوم کمیته مرکزی این حزب آمده است :
« بویژه باید از نقش دانشگاهیان ودانشجویان در این جنبش یاد کرد. » (۸)

اردوی سوسیالیزم که پرچم بدست در قلب لشکر سرمایداری امپریالیستی درعصر فروپاشی نظامهای مستعمراتی واوج جنبشهای رهائی بخش ملی وزمان تشدید بیش از حد تضاد های درونی سرمایداری به پیش میتازد. اردوئی است که محمل قویترو نیروی جاذبتری را برای جوانان تشکیل میدهد تا آنرا به شورش خشمگین بر ضد نظام سرمایه داری وکشش پرشور وسد ناپذیری بسوی اندیشه های پیشرو برانگیزد وگاه چنانکه تجربه سالیان اخیر نشانداده حتی نقش آغازگر پیکار را به آنان محول کند.

تردیدی نیست که جنبش جوانان و دانشجویان از کمبودها ومعایب، از اشتباهات وانحرافات مبری نیست و نمیتواند باشد، مهم بودن هدف ها، افکار تخیلی وغیر واقع بینانه، شیوه های سکتاریستی، چپ روانه وماجراجویانه، انحرافات اناوشیستی، ترتسکیستی ومائویستی وجود اختلاف و تفرقه و حتی نفوذ عناصر مشکوك در جنبش جوانان دیده میشود. اینها از یکطرف نتیجهٔ ناپختگی سیاسی وایدیولوژیکی و از طرفی دیگر ناشی از وابستگی های طبقاتی آنها است. ولی جوانان با همه اشتباهات وکمبودهائی که دارند در کار برد قوت وانجام وظایف خود از باعزمترین عناصر اند. لنین در لحظاتی که روسیه درحالت جهش انقلابی بسر میبرد نوشت :

« برگزیدن باعزمترین عناصر (ضربه کاران ما ، جوانان کارگر و نیز بهترین ملوانان) وتشکیل دسته های کوچکی ازآنان برای اشغال مهمترین مراکز وبرای شرکت درهمه جا ودر تمام عملیات مهم » (۹) درتاریخ ، جوانان تا این حد هم دارای صلاحیت بوده اند که برای تسخیر مهمترین مراکز گماشته شدند ودر حساسترین حالات اجرای وظیفه مینمودند .

جوانان در ایفای نقش و انجام وظیفه دارای صلاحیت معین اند واستفاده درست ازین صلاحیت واجرای وظایف بصورت پیروزمندانه آن فقط تحت رهبری طبقهٔ کارگرامکان پذیر است .

در لحظات حساس وتعیین کننده که جنبش جوانان میتوانند کارهای بزرگ ومهم را انجام دهند نیز نباید از زیر پرچم طبقهٔ کارگر دور شوند وبه بیراه بغلتند که درآنصورت آنها از صلاحیت تاریخی خویش نه به نفع جنبش کارگر فته اند و نه وظایف خویش را انجام داده اند . جنبش جوانان یک بخشی از جنبش عمومی است ، جزء آنست وجنبش عمومی وقتی میتواند دستآورد بزرگ کمائی کند که درپیشاپیش آن آگاهترین آبدیده ترین ، باعزمترین وبادشمن طبقاتی خویش آشتی ناپذیرترین طبقه یعنی طبقهٔ کارگر قرار داشته باشد .

جوانان در جین اجرای وظایف خویش نباید غره شوند وبلند پروازی کنند وبه نقش پیشاهنگی طبقهٔ کارگر وبه صلاحیت بزرگ تاریخی این طبقه به دیده شک بنگرند تا آنکه همیشه برای جنبش کارا باشند .

۷ـ زندگی دشوار جوانان :

جوانان مادر دریای پرتلاطم زندگی چون پرکاهی دستخوش امواج اند. آنها از لحظه ا یکه چشم باز میکنند با معایب وناهنجاری های محیط روبرو میگردند وچون رشد میکنندو بحد بلوغ میرسند خود را با کوهی از مشکلات روبرو میبینند، و سیله کار وتحصیل برای اکثریت آنان فراهم نیست، زندگی جوانان ما بازیچه سرنوشت است، ترقی و پیشرفت آنها در جامعه تصادفی است بورژوازی که در نجات جوانان از آغوش نفرت خیز دنیای پوسیده فیودالی و محدودیت های اختناق آور خودی ناکام مانده است همیشه پیرامون مسائل جوانان به بحث ها و ارزیابی های غیر واقع بینانه دست‌می زندوفقط زندگی‌پرتنوع آن گروه کوچکی از جوانان خانواده های ثروتمند را برخ همه میکشند که ازنعمات زندگی بخوبی بر خوردار هستند، ولی بزندگی دشوار و پر رنج این توده خروشان ورشد یابنده وقتی میتوانیم بصورت درست پی ببریم که در اعماق زندگی اجتماعی در جوامع مبتنی بر استثمار فرد از فرد دقت کنیم.

جوانان در محیط کار رنج میبرند، جلو رشد آنها گرفته میشود و نظام سرمایداری هیچگاه قادر نخواهد بود این رنج را رفع نماید، فقط بامرگ اوست که راه حل این مشکلات باز میگردد جوانان دانشجو نیز در محیط تعلیمی دچار مشکلات فراوانند، امپریالیزم با تمام قوت در راه انحراف آنان از مسیر جنبش پیشرونده بکار و کوشش وسیع تبلیغاتی درمقیاس جهانی‌دست میزند اعتیاد به مخدرات وآلودگی با فحشا به کثیف ترین نوع آن اکثر

جوانان کشور های پیشرفته سرمایه‌داری را در سراشیب سقوط قرار داده است. انبوهی از این امراض در وجود نشرات سکسی وتوسط باند های قاچاق به بیشرمانه ترین صورت در حال رخنه بجوانان کشور های رو به رشد است. بورژوازی کمپرادورتنها به تبلیغ تجارتی کالاهای انحصارات دست نمیزند بلکه درعین حال مساعد ترین محمل برای انتقال فرهنگ منحط و فاسد امپریالیستی در زندگی مردم این کشور ها بویژه در زندگی جوانان است.

سعادت جوانان با سوسیالیزم پیوند ناگسستنی دارد، سوسیالیزم برای این نیروی سیال ـ خروشان زمینه پیشرفت ونیروی شگوفانی را میگشاید، فقط آنجاست که جوانان بصورت مصئون مطمئن وآزاد میتوانند وظائف تاریخی خویش را انجام دهند ودر ساختمان جامعه همانطوریکه لازم است سهم گیرند.

آینده مسعود جوانان بسته است به مبارزه آنها برای رسیدن به سوسیالیزم نجات آنها از تمام دشواری های زندگی بسته است به اتحاد طبقهٔ کارگر وپیوند جنبش جوانان بامبارزات طبقهٔ کارگر ومحو تمام نظامهای پوسیده وظالمانه در این پیکار، مبارزه متشکل جوانان حتمی وضروری است.

تاریخ سهم جوانان را در مبارزات ضد امپریالیستی وپیکار آنان را در تمام عرصه های زندگی همیشه بیاد خواهند داشت.

ب : جوانان و مبارزه طبقاتی

۱ ـ مبارزه جوانان :

روشن است که جوانان در جریان مبارزه طبقاتی بی تفاوت مانده نمیتوانند آنها در جامعه دارای حقوقی هستند که باید بدست داشته باشند . آنها بنا بر همبستگی های اجتماعی خویش و بنا بر پیوند های طبقاتی خویش ناگزیر باید مبارزه کنند ولی بیشتر علاقه آنان در این است که منحیث یک صنف ویک قشر با همان منافع معین صنفی وقشری خود در پروسه مبارزات اجتماعی شرکت ورزند ودرین مبارزه سازمان صنفی خویش را نیز بسازند و توسط آن مبارزات خویش را ادامه دهند . اما جوانان ازآنجاکه برعلاوه منافع صنفی خود که این منافع به هیچ صورت منافع عمومی جامعه نیست ، منافع وسیعتری یعنی منافع سیاسی هم دارند که باید در بدست آوردن وحفظ آن نیز بکوشند .

دستاورد های جنبش جهانی جوانان خود مبین نتائج مفید کار خستگی ناپذیر جوانان است در روند عمومی مبارزات طبقاتی امپریالیزم دشمن خونخوار منافع صنفی سیاسی جوانان را تهدید میکند ونمیگذارد که آنان طوریکه لازم است وظائف تاریخی خویش را انجام دهند پس کاملا طبیعی است که جوانان در جریان مبارزات طبقاتی باید در تمام عرصه ها پیکار ومبارزه نمایند .

مبارزات جوانان درمسیر تاریخ همیشه دچار اشتباهات ولغزش ها شده است که این خود ناشی از تزلزل ایدیولوژیک ، وابستگی های

گوناگون طبقاتی و با همی خصلت ها و کر کتر های متفاوت در یک تشکل معین و مسیر معین میباشد. این کمبود ها هروقت درمبارزات جوانان دیده شده است ولی این بدان معنا نیست که آنها نمی توانند یا نخواهند توانست درمبارزات طبقاتی بصورت وسیعی شرکت کنند، بلکه باید به آنها ، جسورانه تر و بدون ترس، میدان فعالیت داده شود و اشتباهات شان در این جریان تصحیح گردد .

لنین بمناسبت انتشار مجلهٔ ازطرف جوانان سوسیالیست سویس (درسال ۱۹۱۵) ضمن تائید مشی انقلابی و ضد اپورتونیستی این مجله می نویسد :

« طبیعی است که در این مجله ، که ارگان جوانان است ، هنوز روشنی و استحکام تئوریك وجود ندارد وشاید هم هیچگاه بوجود نیاید، درست باین دلیل که ارگان جوانانیست که دائماً درجوش وخروش وجستجو هستند ولی با فقدان روشنی تئوریك در نزد چنین کسانی باید طور دیگری برخورد کنیم به چنین کسانی باید همه نوع کمك کرد در برابر اشتباهات آنها باید حتی المقدور حوصله نشان داد، باید کوشید که این اشتباهات را به تدریج و به طور عمده از راه اقناع تصحیح کرد و نه بوسیلهٔ مبارزه. غالباً پیش می آید که نمایندگان نسل بالغ و پیر نمی فهمند که باید به شیوه درستی به جوانان نزدیك شد که بناچار جوانان از راه های دیگری بسوسیالیزم روی می آورند نه از راه و نه بشکل و نه در شرایطی مانند پدران نشان . »(۱۰)

۲ سازمان جوانان(*)

از آنجا که جوانان در جامعه دارای نقشی ووظایفی وبناء صلاحیتی هستند پس باید بمبارزهٔ منظم ومتشکل جهت انجام وظایف تاریخی خویش دست زنند ، سازمان معین خویش را بسازند و بوسیلهٔ آن مبارزات خویش راادامه دهند .

سازمان جوانان تشکلی است که در برگیرندهٔ جوانان صرفنظر ازوابستگی های طبقاتی و ایدئولوژیکی آنها میباشد . این سازمان برای آنکه گردان واقعاً رزمنده جوانان باشد باید از یکسو درراه بسیج تشکل وسپس آموزش و پرورش ایدیولوژیك جوانان کارکند واز سوی دیگر در جهت استحکام پیوند ها با پیشآهنگ انقلابی توده ها ، حزب طراز نوین طبقهٔ کارگر تلاش نماید . تا اینکه بتواند همخود را استوار و نیرومند بسازدوهم نیرومندانه و پرقوت در پروسهٔ عمومی مبارزات انقلابی شرکت ورزد.

سازمان جوانان درهر حالت خودیك سازمان طبقاتی ودرماهیت خودیك سازمان صنفی و قشری است ولی این به هیچ صورت به آن معنا نیست که سازمان جوانان به مبارزهٔ سیاسی نباید دست بزند و فقط به مبارزهٔ صنفی اکتفاء کند ، بلکه بدان معناست که سازمان جوانان متعلق به جوانان است باید پیش از هر چیز مدافع منافع صنفی آنان باشد.

(*) هدف سازمانهای مترقی جوانان است ، که تحت رهبری احزاب طراز نوین طبقهٔ کارگر فعالیت مینمایند .

PROPERTY OF AFGHAN

سازمان جوانان میتواند در راه بدست آوردن حقوق و خواسته های سیاسی جوانان هم مبارزه کند.

الف ـ خصلت سازمان جوانان :

سازمان جوانان خصلتاً یك سازمان توده‌ای است این سازمان مؤید این نکته است که در تئوری هر جوان حق و امکان آنرا دارد تا به عضویت آن در آید (البته با پذیرش برنامه و اساسنامهٔ سازمان) و در پراتیك سازمان جوانان باید چنان اسلوب و روش کار را در پیش گیرد و به همان اسلوب دست بزند که آنرا قادر به جلب و متشکل ساختن اکثریت هر چه بیشتر و وسیعتر جوانان بنماید و از آنجا که جوانان دارای وابستگی‌های طبقاتی گوناگون و عقاید سیاسی مختلف و گاه متضاد هستند چنین اسلوبی میتواند حد مشترك خواست اکثریت مطلق جوانان باشد. خصلت ملی (ضد امپریالیستی) و دموکراتیك (ضد فیودالی) ذاتی هر سازمان توده‌ای انقلابی است. ولی هر سازمان جوانان به صرف اینکه یك سازمان مشخص جوانان است نمیتواند دارای خصلت ملی و دموکراتیك باشد. بنا ء برای ایجاد یك سازمان جوانان خصلتاً ملی و دموکراتیك و همچنین حفظ، بسط و تعمیق این خصلت باید بطور مداوم و پیگیر مبارزه کرد. ملاك ملی و دموکراتیك بودن سازمان جوانان هم اینست که سازمان نه فقط در حرف بلکه در عمل و بویژه در عمل و بر طبق شرایط مشخص مبارزه اولاً در راه خواست‌های صنفی و سیاسی مشترك بین اکثریت مطلق جوانان و ثانیاً در راه هدفهای عمومی ملی و دموکراتیك توده ها پیکار کند فقط در اینصورت است که نهضت جوانان و سازمان جوانان را میتوان جزء جنبش عمومی ملی و دموکراتیك جامعه شمار کرد.

ب ـ مبارزهٔ صنفی و سیاسی سازمان جوانان :

جوانان دارای خصلت دوگانه اند . این دو گونگی خصلت ازگوناگونی مواضع طبقاتی آنها سرچشمه میگیرد ، آنها ازیکسو یك قشرند و منافع خاص صنفی خویش را دارند و از سوئی هم چون جزء جامعه اند بناء منفعت های هم در جنبش عمومی جامعه دارند که باید برای بدست آوردن آن مبارزه کنند یعنی در پهلوی خواسته های صنفی خواسته های سیاسی نیز دارند تودهٔ جوانان وقتی با دقت تمام به محرومیت های صنفی خویش توجه کند آنگاه در مییابد که محرومیت های صنفی و قشری وی ازمحرومیت های عمومی جامعه جدا نیست و لذا معتقد میگردد که در نبرد و پیکار بخاطر حصول خواسته ها و اهداف صنفی باید خواسته های معین سیاسی نیز داشته باشد .

مبارزات صنفی جوانان فقط در رابطه با جوان بودن آنها مطرح است یعنی در رابطه با اینکه در چه موضعی قرار دارند و دارای چه ایدئولوژی هستند .

منافع وخواسته های شان چیست ، ودر رابطه با اینکه موضع معین آنها ایدئولوژی آنها و منحیث جوان منافع وخواسته های آنها ازکدام مواضع وازجانب کدام منافع تهدید میشود وبویژه در رابطه با اینکه فضای مساعد وجولانگه وسیع زندگی آنانراچه کس محدود و مختنق میسازد مبارزهٔ صنفی آنها برای مساعد ساختن این فضا و حرکت جوانانهٔ آنها و برای ایجاد بستر مطمئن جهت مسیر دادن زندگی خروشان ایشان میباشد . ولی در عین حال از آنجا که تمام این

نارسائی ها ومحدودیتها از زندگی عمومی جامعه منشأ میگیرد ، جوانان باید خواسته های صنفی و قشری خویش را با خواسته ها و نیازمندی های اقتصادی وسیاسی جامعه پیوند دهند ودر مبارزات سیاسی نیزشرکت نمایند . آنها وقتی میتوانند مبارزات صنفی خویشرا درست ومثمر انجام دهند که تنها در محدودهٔ این شکل مبارزه فرو نروند بلکه مبارزه سیاسی نیز کنند .

در مورد مبارزهٔ صنفی وسیاسی جوانان دوگرایش انحرافی وجود دارد که هریک بحال نهضت و جنبش جوانان مضر واقع میشود.

گرایش اول مطلق کردن مبارزه صنفی جوانان است . این گرایش زیر تاثیر ایدئولوژی های غیرپرولتری است و بورژوازی ازآن بهره میگیرد و به این وسیله باروی آوری جوانان بمبارزات سیاسی و ازپیوند آنان با پیشآهنگ انقلابی جلوگیری میکند وآنهارا تنها بمبارزات صنفی مصروف میدارد .

گرایش دوم انکار مبارزات صنفی و مطلق کردن مبارزات سیاسی است ، این گرایش نیز بحال جنبش جوانان مضر است و این جنبش را به سراشیب انحراف ازموازین مبارزات انقلابی و پیشرونده قرار میدهد. دراین گرایش جوانان را به تشکیل دسته های کوچک چریکی مؤظف میسازند و برای سرنگونی دولت فرمان میدهند بدون آنکه به نقش توده های ملیونی توجه داشته باشند دراین صورت جنبش جوانان فرومیریزد ، بیک نیروی فاقدتحرك مبدل میشود واز جنبش عمومی فاصله میگیرد.

دراین مسئله درست ترین شیوه آنست که جوانان را در پهلوی

آنکه برای بدست آوردن خواستهای صنفی و قشری ایشان بسیج میکنیم و بمبارزه سوق میدهیم، پیوند آنها را با جنبش عمومی جامعه نیز تأمین میکنیم وضرورت دگرگونی نظام اقتصادی وسیاسی را توام با رابطهٔ نارسائی های صنفی آنان با نظام اقتصادی وسیاسی جامعه توضیح میدهیم. پس سازمان جوانان نه تنها موظف بمبارزه صنفی است بلکه بمبارزات سیاسی هم باید دست بزند، و نه تنها به تهییج و بسیج جوانان در راه رفع نیازهای صنفی آنان بلکه به سوق آنها بسوی یک مبارزه وسیع سیاسی نیز تلاش کند.

ج ـ مبارزهٔ علنی ومبارزهٔ مخفی سازمان جوانان:

شکل اصلی مبارزهٔ یك سازمان توده ای مبارزهٔ علنی است دلیل آنهم اینست که یك سازمان توده ای باید توده‌های هر چه بیشتر را در بر گیرد و بنابرین باید بتواند وسیعترین تماسها و عمیقترین پیوند ها را با توده ها برقرار کند و به این اهداف در شرایط مخفی نمیتواند نائل آید. یعنی در شرایط مخفی سازمان توده ای بناچار فقط برای حفظ تشکیلات خود تلاش مینماید که در اینصورت عرصه های علنی مبارزه را از دست میدهد و بنا موجودیتش برای پیشآهنگ انقلابی ضرور نخواهد بود.

البته این مسئله بدان معنا نیست که سازمان توده ای برای حفظ خود در شرایط سرکوب خونین و اختناق مبارزهٔ مخفی نکند بلکه در چنین اوضاع و احوال برای سازمان توده‌ای لازم است تا عادی شدن وضع بصورت مخفی کار کند و تشکیلات خویش را

نگهدارد . فاشیستی ترین رژیم ها نمیتواند شرایط کار مخفی را برای مدت دراز بر یك سازمان مترقی توده ای تحمیل کنند ، در بدترین حالت یك سازمان توده ای باید عرصه های علنی کار را در یابد و از مجراء های دموکراتیك قوانین استفاده کند و پیوندو رابطهٔ پیشآهنگ انقلابی را با توده های وسیع تامین نماید و اگر یك چنین سازمانی نتواند چنین عرصه ها و مجراء ها رادر یابد در سراشیب بیکارگی وغیر مفید وغیر مثمربودن قرار میگیرد و بالاخره محکوم بزوال است .

چون سازمان جوانان هم یك سازمان توده ای است پس تعین اشکال مبارزات آن در مراحل گوناگون بهمین ترتیبی که در بالا ذکر شد صورت میگیرد .

یك سازمان جوانان با خصلت ملی و دموکراتیك مؤظف استو سیعترین توده های جوانان را متشکل نماید و رابطهٔ آنانرا با پیشآهنگ انقلابی جنبش تامین نماید . بنآء باید در کادرقانون عمل کند وعملا علنی باشدو اگرمبارزه مخفی بالایش تحمیل میشود بصورت مخفی کار خود را ادامه دهد ولی در این شرایطمهمترین وظیفه برای چنین سازمانی مبارزه برای علنی شدن است . این مبارزه باید تا آنزمان صورت گیرد که رژیمهای ارتجاعی مجبور شوند بقبول فعالیت علنی آن سازمان تن دردهند .

بدیهی است که فعالیت علنی بهر قیمت مطرح نیست یعنی یك سازمان توده ای دموکراتیك مثل سازمان جوانان نباید ماهیت مترقی خود را فدای علنی شدن نمایدبلکه درهمان حال بایدسازمان

توده ای بتواند با حفظ ماهیت مترقی خود چنان سیاست و روشی را در پیش گیرد که توسط آن از امکانات فعالیت علنی حداکثر استفاده را نماید با توجه به اینکه خود این مبارزه در آن جهت باید تکامل یابد که قدم به قدم رژیم ارتجاعی به عقب نشینی و ادار شود. مبارزه سازمان‌های توده ای در این زمینه نه فقط کمک بزرگی به تحقق هدفهای این سازمان ها است بلکه کمک مؤثری به سازمانها و احزاب سیاسی انقلابی است که در زیر فشار شدید رژیم های ارتجاعی غالباً در حالت مخفی و یا نیمه مخفی مبارزه میکنند. زیرا نباید فراموش کرد که سازمانهای توده ای حلقات رابطه و پیوند دهندهٔ سازمانهای سیاسی مترقی با توده ها اند.

قوس - ۱۳۵۸ - کابل

توضیحات

۱) بقول مجلهٔ دنیا سال ۱۱ شمارهٔ (۱) صفحه ۸۶

۲) « « « « « « صفحه ۷۸

۳) بنیاد آموزش انقلابی صفحه ٦٤

٤) زندگی وآموزش لنین، از انتشارات حزب تودهٔ ایران صفحه ۱۸

۵) بقول مجلهٔ دنیا سال ۱۱ شمارهٔ (۱) صفحه ۸۵

٦) بقول مجلهٔ دنیا سال ۱۱ شمارهٔ (۱) صفحه ۷۸

۷) مجلهٔ دنیا شمارهٔ ۱۲ سال ۱۳۵۷ صفحه ۵۰

۸) « « « « « صفحه ۵۰

۹) منتخبات لینن بزبان فارسی، چاپ مسکو
جلد دوم قسمت اول
صفحه ۲۰۹

۱۰) از قول مجلهٔ دنیا سال ۱۱ شمارهٔ (۱) صفحه ۸٤